



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری صاد
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی
دبیر تحریریه: امیر افشار فتوحی
صفحه‌آرا: مهدی صالحی طاهری

www.sabanewsaper.ir
@sabanewsaper.ir

تهران / خیابان آیت الله مدنی / کوچه خجسته منش / شماره ۵
تلفن: ۶-۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵
چاپ: شهر چاپ خراسان / توزیع: نشر گستر امروز



گفت‌وگوی
صبا با علی
درستکار، مجری
برنامه «سپنج»

رسانه ملی و غیاب نگاه همگرایانه

بخش دیگری از هدف ما، پیامد اجتماعی این انتخاب بود. می‌خواستیم نسل جوان‌تر و حتی خیلی جوان‌تر - با گذشته غنی خود آشنا شود؛ شخصیت‌هایی را که آن گذشته را ساخته‌اند از نزدیک ببیند، نام‌شان را بشنود، با ادبیات و نگاه‌شان آشنا شود و شاید ترغیب شود جست‌وجوی بیشتری درباره آنان انجام دهد.

واکنش‌ها برای ما معنادار بود. در بخش نظرات برش‌های کوتاه برنامه بارها دیده‌ایم که نوشته‌اند: «این استاد تا حالا کجا بوده؟ چرا معرفی نشده؟» یا «افتخار است که چنین شخصیت‌هایی در ایران داریم». حتی بسیاری نوشته‌اند جای این برنامه و این چهره‌ها در تلویزیون خالی است. این بازخوردها نشان می‌دهد جامعه تشنه چنین مواجهه‌ای است.

○ برنامه «سپنج» از «گذر از روزمرگی» سخن می‌گوید. آیا می‌توان گفت رمز موفقیت برنامه در این است که روزمرگی را به امری والا تر پیوند می‌زند؟

اگر بخواهم ساده بگویم، بله؛ تلاش «سپنج» همین بوده است. همان‌طور که در شعار برنامه آمده، ما مخاطب را به تفکر دعوت می‌کنیم. هدف اول ما این است که انسان وادار به فکر کردن شود. حتی یادم هست کسی در بخش نظرات نوشته بود: «شما که می‌گویید فکر کنیم، به چه فکر کنیم؟» پاسخ من این بود: همین که متوقف شدی و از خودت پرسیدی «به چه فکر کنم؟» یعنی کار آغاز شده است. مسئله ما بیدار کردن توجه است؛ جلب کردن حساسیت ذهن نسبت به خود اندیشیدن...

اما لایه دوم برنامه از معنای واژه «سپنج» می‌آید. «سپنج» در ادبیات کهن ما به معنای خانه عاریتی، سرای گذر یا مهمان‌سراست؛ شاعران بزرگی چون ابوالقاسم فردوسی دنیا را «سرای سپنج» دانسته‌اند؛ جایی موقتی و گذرا. بر همین اساس، ما تعبیر «فراتر از روزمرگی» را انتخاب کردیم؛ یعنی یادآوری اینکه زندگی انسان منحصر به آموشدنی‌های تکراری و نیازهای زیستی نیست.

○ در «سپنج» تأکید داشتید که برنامه را به رنگ یک دین یا ایدئولوژی خاص درنیاورید. این رویکرد چگونه در انتخاب مهمانان و شیوه گفت‌وگو تأثیر گذاشت؟

از ابتدا تصمیم گرفتیم «سپنج» رنگ یک مکتب خاص نگیرد... مسئله ما دین‌گریزی نبود؛ مسئله این بود که گفت‌وگو را بر «نقطه مشترک انسانی» بنا کنیم...

○ درباره فرش برنامه «سپنج» که در دکور استفاده شده است، فلسفه انتخاب آن چه بوده؟

دکور «سپنج» از ابتدا با یک اصل ساده طراحی شد: دکور باید ابزار تمرکز و تفکر باشد، نه حواس‌پرتی... فرشی که در برنامه به کار رفته است، فرشی امانی است... قدمتش به اواخر دوره قاجار می‌رسد... این فرش در دکور برنامه نه صرفاً به عنوان تزئین، بلکه به عنوان نمادی از گذر زندگی، تفکر و حفظ ارزش‌ها قرار گرفت.

نام علی درستکار برای بسیاری از مخاطبان رسانه ملی با برنامه «این شب‌ها» گره خورده است؛ برنامه‌ای گفت‌وگومحور با رویکردی معرفت‌شناسانه که سال‌ها پیش در تلویزیون مخاطبان خاص خود را داشت. درستکار در ادامه مسیر حرفه‌ای با برنامه «سپنج» به شبکه نمایش خانگی و پلتفرم «فیلم‌مو» آمد و همان دغدغه‌های معرفتی و اندیشه‌محور را با ساختاری تازه دنبال کرد. به همین بهانه، صبا در گفت‌وگویی با او به بررسی رویکرد و فلسفه این برنامه پرداخت.

سمیه خاتونی
گفت‌وگو



انسان می‌انجامد.

○ در «سپنج» به سراغ اندیشمندان کشور رفته‌اید و تلاش کرده‌اید آنان را در کانون توجه قرار دهید. این انتخاب از کجا می‌آید؟

ما به تعبیر خودم، نوعی جسارت به خرج دادیم و گفتیم چرا اندیشمندان کشور - به‌ویژه کهنه‌جوانان اندیشمندان ایرانی - نباید چهره‌های مشهور جامعه باشند؟ اگر قرار است کسی در کانون توجه قرار بگیرد، چرا این شخصیت‌ها نباشند؟ این‌ها به ما هویت می‌دهند. بخش مهمی از تشخیص فرهنگی من ایرانی، به اندیشمندان سرزمینم بازمی‌گردد...

پرسش من این است: در طول این سه یا چهار دهه، رسانه ملی چند شخصیت فکری را به جامعه معرفی کرده است؟

در طول این چند دهه، همه اسلام را خلاصه کردند در آقای محسن قرائتی... همه فلسفه را در آقای غلامحسین ابراهیمی دینانی، همه عرفان و ادبیات را در حسین الهی قمشه‌ای و فلسفه را در آقای حسن رحیم‌پور ازغدی... آیا در کشور فقط همین‌ها هستند؟ قطعاً چنین نیست. کشور ما از نظر سرمایه‌های فکری فقیر نیست؛ اما بازنمایی رسانه‌ای این سرمایه بسیار محدود بوده است.

○ اشاره کردید که در «سپنج» تلاش کرده‌اید اندیشمندان را به کانون توجه بیاورید. این انتخاب چه پیامد و هدفی را دنبال می‌کرد؟

یکی از نکات تلخ برای من این بود که بسیاری از اندیشمندان که در «سپنج» حضور پیدا کردند، صراحتاً می‌گفتند فقط در تلویزیون پخش نشود. این یعنی ما در رسانه رسمی مان به جایی رسیده‌ایم که بخشی از سرمایه‌های فکری کشور، تمایلی به حضور در آن ندارند. پرسش این است که چرا باید چنین شود؟ چرا نباید تلویزیون خانه طبیعی گفت‌وگو با اندیشمندان باشد؟

ما آگاهانه این ریسک را پذیرفتیم. هدف‌مان این بود که به سهم خود، ادای احترام و تکریمی نسبت به شخصیت‌هایی انجام دهیم که عمرشان را صرف اعتلای فرهنگ، هنر، تمدن و اندیشه ایرانی کرده‌اند. اما نام و جایگاه‌شان آن‌گونه که شایسته است در ویتترین رسمی کشور دیده نشده است.

○ «سپنج» در چه مرحله‌ای قرار دارد و رویکرد متفاوت آن در مقایسه با دیگر برنامه‌های متداول چگونه شکل گرفت؟

ضبط فصل اول به پایان رسیده است؛ در واقع ۵۰ گفت‌وگو با ۵۰ اندیشمند انجام شده است. آنچه پس از این مرحله رخ می‌دهد، به تصمیم تهیه‌کننده، جناب ربانی، بستگی دارد و ایشان بر اساس درخواست شبکه فیلم‌مو عمل می‌کنند که مناسبات دقیق آن برای من مشخص نیست. «سپنج» قواعد خود را خارج از رویکردهای متداول برنامه‌سازی تعریف کرده است. نقش دکورهای مصنوعی و حضور چهره‌های مشهور، که معمولاً در نگاه اول مخاطب را جذب می‌کنند، به حداقل کاهش یافته است. تمرکز برنامه بر موضوعاتی است که معمولاً در شبکه‌های نمایش خانگی با ریسک از دست رفتن مخاطب مواجه است؛ شبکه‌هایی که عمدتاً محوریت سرگرمی دارند. به این دلیل که در زمینه شکل‌دهی به افکار عمومی، من به قدرت «ارباب رسانه‌ها» اعتقاد دارم. این اصطلاح به رسانه‌های حرفه‌ای اشاره دارد؛ رسانه‌هایی که نقش مؤثری در مدیریت افکار عمومی ایفا می‌کنند، نه رسانه‌های خرد یا صفحات شخصی که اثرگذاری محدودتری دارند.

○ در همین چارچوب، برخی معتقدند صفحات شخصی در شبکه‌های اجتماعی امروز نقش پررنگ‌تری در هدایت افکار عمومی دارند.

من قائل به تفکیک جدی میان «رسانه حرفه‌ای» و آنچه به آن انسان‌رسانه یا صفحه شخصی گفته می‌شود هستم. یک پیج شخصی را نمی‌توان به صرف داشتن دنبال‌کننده، رسانه دانست؛ مگر آنکه ساختاری حرفه‌ای، سیاست‌گذاری محتوایی و هویت مشخص رسانه‌ای داشته باشد؛ مانند صفحه‌ای که به‌طور رسمی و مستمر در قالب یک برند رسانه‌ای فعالیت می‌کند.

رسانه‌های حرفه‌ای در مدیریت افکار عمومی نقشی تعیین‌کننده دارند. پیام‌هایی که از این مجاری صادر می‌شود، اگر آگاهانه و مهندسی شده تولید شوند، می‌توانند به رشد فهم، نگرش و شخصیت یک جامعه کمک کنند. منظورم از ارزش، صرفاً ارزش‌های وابسته به یک مکتب یا حزب یا دین خاص نیست؛ بلکه ارزش‌های انسانی مشترک میان همه جوامع بشری است؛ همان مؤلفه‌هایی که به تعالی

